

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی
۲۶ می ۲۰۱۷

"گلبدین" تجسم و مظهر جنایت و خیانت

۱

درآمد:

۱- هر چند تصمیم داشتیم تا در این فرصت برداشت ها و دورنگری هایم را راجع به انتخابات ریاست جمهوری در ایران و پیامد های احتمالی آن بنگارم، مگر مطالعه نوشته کوبنده متصدی و همکار عزیز پورتال آقای داکتر صاحب "عزیز" معنون به "تقابلم با انسانکشان" حزب اسلامی که نمایانگر دیده درائی نواله خواران "آی. اس. آی"، "سیا" و ارتجاع عرب بود، من را بر آن داشت تا در گام اول شناختم را از "گلبدین" و باندش که به وسیله آقای داکتر صاحب "عزیز" آغاز یافته و می باید از جانب تمام قلم به دستانی که به افغانستان و مردم آن می اندیشند، ادامه یابد، تقدیم خوانندگان گرامی پورتال نمایم.

۲- تمرکز روی افشای جنایات و خیانت های "گلبدین" و باندش، به هیچ صورت بدان معنا نیست که بقیه نهاد های منادی "اسلام سیاسی" از جمله "ربانی- مسعود" و یا "سیاف - مزاری" و باندهای مربوط آنها از جنس دیگری به غیر از جنس "گلبدین" بوده و نمی باید آماج حملات و افشاگری قرار بگیرند.

پیشگفتار:

تقریباً نیم قرن قبل زمانی که در پوهنخی ادبیات و علوم بشری رشته تاریخ و جغرافیه محصل بودم، یکی از برجسته ترین استادان آن شعبه داکتر "فاروق اعتمادی" بود. نامبرده که گذشته از داشتن درجه علمی "دکترا" در تاریخ غرب، بر مبنای علایق سیاسی گذشته هایش، گاهگاهی حین تشریح مطالب نمی توانست خود را در محدوده مقررات تنگ و تاریک سانسور اداری و خودسانسوری های مروج نگهدارد، موضوعاتی را به بحث می گذاشت که توجه و دقت در آن موضوعات، می توانست بیشتر از تمام درس در رشد فکری و استنتاج یک نتیجه درست از درس تاریخ برای محصلان سود مند باشد.

یکی از آن مطالب بحثی بود که نامبرده "لویی شانزده" و "ناپلئون بناپارت" را بابت استفاده از قوه نظامی علیه ملت فرانسه مقایسه نموده سؤالاتی را در زمینه مطرح نمود.

گرامی یاد داکتر "فاروق اعتمادی" که تز دکترایش را به ارتباط "دهه انقلاب" کبیر فرانسه یعنی از ۱۷۸۹ الی ۱۷۹۹ نگاشته بود و می توان گفت راجع به "دهه انقلاب" برخوردار از معلومات گسترده ای بود، به ارتباط روز ۱۴ جولای ۱۷۸۹ یعنی روزی که مردم بر زندان "باستیل حمله برده و با ویران کردن آن به نحوی پیروزی حرکت انقلابی را علیه سلطنت تسجیل نمودند، گفت:

"در همان روز عده ای از اشراف جمع شده به دور پادشاه در قصر سلطنتی ورسای، به شخص شاه پیشنهاد نمودند که به سربازان و اردوی شاهی دستور صادر کند، تا انقلابیون را سرکوب نمایند. مگر پادشاه در پاسخ خواست تمام آن درباریان ایستادگی نموده گفت:

این سربازان فرانسه است و به غرض دفاع از مرز های فرانسه به وجود آمده نه سرکوب رعایای فرانسه." نقل به مضمون.

استاد در دوام بحث، مسأله را به روز های اخیر دهه انقلاب کشانیده و موضعگیری ضد انسانی و جنایتکارانه "ناپلئون بناپارت" را در استفاده از نیروهای مسلح علیه مردم فرانسه و سرکوب خونین آنها که در تاریخ به نام حرکت سیاه "ترمیدوری" مسما می باشد، کشانیده می گفت:

" اما چند سال بعد یک جوانک، به محض مشاهده مردم بر روی خیابانها به سربازانش دستور داد تا آنها را به زور سر نیزه و تفنگ پراکنده و سرکوب نماید" نقل به مضمون.

تا اینجا درس، در واقع چیزی نبود که بتواند برای استاد مشکلی بیافریند، مشکل و یا بهتر است نوشت "مشکلساز" زمانی آغاز می یافت که استاد بحث را در ابعاد دیگری ادامه می داد، مثلاً:

"از همان زمان تا اکنون مردم و به خصوص مؤرخان فرانسه از خود و از دیگران می پرسند، آن جوانک آن گستاخی و آن ددمنشی را از کجا فرا گرفته بود که بر روی مردم خود شمشیر کشیده آنها را به خاک و خون کشید؟ آیا علت چنان قساوتی، خدمت وی در لژیون های خارجی فرانسه بوده و نمی توانسته درک نماید که بین مردم مستعمرات و مردم فرانسه می باید تفاوت قابل شد؟ آیا محل تولد خودش که تا حدودی وی را با مردم سرزمین اصلی فرانسه به خصوص پاریس متمایز می سازد، عامل چنان قساوتی بوده است؟ و ... "نقل به مضمون.

استاد به این هم اکتفاء ننموده، گریزی به تاریخ معاصر افغانستان زده، امتناع "شاه امان الله خان" را از دوام جنگ مثال داده می گفت:

"برای زمامداران می باید، اصل خواست و رضایت مردم باشد، نه ادامه سلطه و حاکمیت خودش. شاه امان الله خان به همین منظور از سلطنت دست کشید تا برادر کشی صورت نگیرد." - نقل به مضمون

قاعدتاً وقتی صحبت به اینجا می رسید یکی از محصلان، مسأله سوم عقرب و برآمدن تانکهای دولت علیه مردم مظاهره چی را سؤال می نمودند. گرامی یاد "فاروق اعتمادی" از آن به بعد حرف خود را قطع نموده با تذکر این که بحث ما راجع به تاریخ غرب است، سوالات بیرون درس نکنید، به صحبت خاتمه می داد.

خوانندگان نهایت عزیز!

این پیشگفتار طولانی را به منظوری تذکار دادم تا روشن شود که وقتی در یک کشوری- هر جایی که می خواهد باشد- فردی پیدا می شود که بر روی مردم همان کشور شمشیر کشیده، آنها را به قتل می رساند، این تنها مبارزان و سیاستمداران نیستند که علیه چنان فردی قیام نموده و می خواهند وی را از سلطه به زیر کشند، بلکه آحاد جامعه هر یک بر مبنای توانائی های خود، تلاش می ورزد تا جهت جلوگیری از تکرار چنان فجایی، ریشه یابی فاجعه را در دستور کارش قرار دهد.

اگر مؤرخ است و یا جامعه‌شناس، اگر عالم دین است و یا عالم در رشته دیگری، همه می‌کوشند تا از منظر شغل و دانش خود، به این پرسش پاسخ بگویند که چرا چنان اتفاقی در کشور رخ داد و علل بروز چنان وقایعی چه بوده است.

حال وقتی بحث روی "عبدالرحمان" ها، "گلبدین" ها، "مسعود" ها، «نجیب» ها، "تنی" ها، "سیاف" ها، "مزاری" ها و صد ها جنایتکار خرد و بزرگ دیگری که از کشته ها پشته ساخته، بی پروا نه تنها بر روی ملت شمشیر کشیده بلکه، با صد چندان بی پروائی بر مردم آتش ریخته، به ده ها و صد ها هزار از هموطنان خودشان را به قتل رسانیده اند، نباید به این اکتفاء کرد که گذشته، گذشته است و می باید به حرفهای آنها باورمند شده، کردار آنها را فراموش نمود، بلکه همه وظیفه داریم بکوشیم تا در گام نخست برای سؤال چرایی بروز چنان فجایعی پاسخ بیابیم. به عبارت دیگر اگر می خواهیم تا در آینده چنان اتفاقاتی بروز ننموده به ده ها هزار انسان بی گناه قربانی آزمندی ها و سلطه جوئی های مشتی میهن فروش و جبار نشوند، باید تلاش بورزیم تا هر یک به نوبه خود دلایل بروز چنان فجایعی را ریشه یابی نمائیم.

خوانندگان نهایت عزیز!

نقل طوطی وار وقایع گذشته نه تاریخ است و نه هم به تاریخ ارتباطی دارد، بلکه تلاشیست که انسان یک عصر را در زندانهای فکری اعصار قبلی محبوس می سازد، در نتیجه اگر کسی خواسته باشد واقعاً بحثی راجع به تاریخ نماید باید بکوشد تا مسأله را ریشه یابی نموده، شناخت توده ها را در قبال بروز چنان وقایعی ارتقاء دهد، فقط در چنان حالتیست که انسان قادر می گردد، آگاهانه از تکرار وقایع گذشته جلوگیری نماید.

در این مختصر من هم به نوبه خود خواهم کوشید گذشته از بررسی عملکرد جنایتکارانه و خائنانه "گلبدین" و "گلبدین" ها، در حد توان به چرایی پیدایش "گلبدین" ها مکث نموده، چگونگی کردار آنها را بشگافم. مسلم است تمام آنهایی که خواسته باشند، برداشتهایم را نقد نمایند، می توانند نگاشته های شان را به آدرس پورتال ارسال و از حق پاسخگوئی و دفاع از خود شان استفاده نمایند.

ادامه دارد.